

ساذج حمد و جوهر ثنا صریر قلم اعلی را لایق و سزااست که ضوضای

علما ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۳۷۹

هو الله تعالى شأنه العظمة والاقتدار

ساذج حمد و جوهر ثنا صریر قلم اعلی را لایق و سزااست که ضوضای علما و زماجیر اهل انشاء او را از ندا منع نمود در جمیع احیان در مضممار حکمت و بیان بشأنی متحرک که عوالم غیب کلها از آنحرکت بشطر دوست توجه نمودند حال مستور است سوف یظهره الله عدلاً من عنده انه هو الفیاض الکریم این حرکت را سکون اخذ ننماید و این ندا را صمت از عقب درنیايد طوبی از برای نفوسیکه باصغای آن فائز شدند اولئک اهل البهاء و اصحاب السفينة الحمراء التي انزل الله ذکرها فی قیوم الأسماء لا اله الا هو الفرد الواحد المقتدر القدير

سبحانک یا من عند ذکرک سجدت الأذکار و عند اشراق نورک خضعت الأنوار اسألك باسمک الذي به سخرت الأشياء و فتحت مدائن ملکوت الأسماء بأن تؤيد عبادک علی ذکرک و ثنائک و وفقهم علی العمل بما انزلته فی کتابک ای رب هذا يومک و فضلتہ علی الأيام و ذکرته فی الکتب و الزبر و الألواح اسألك به و بما ينبغي له بأن تنزل من سماء مشیتک علی عبادک ما یقرّبهم الیک و یعرفهم صراطک و یسمعهم آیاتک و یعلمهم ما انزلته فی کتابک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا یعجزک شیء و لا یمنعک امر انک انت المقتدر القدير ای رب صل علی اصفیائک و اولیائک الذین ما منعهم شئون الجبابة عن التوجه الیک و ما خوفهم الفراعنة عن الاقبال الی شطرك تفعل ما تشاء بقدرتک و تحکم ما تريد انک انت العزيز الحمید

عریضه آنجناب را عبد حاضر در ساحت امنع اقدس عرض نمود و بشرف اصغا فائز گشت اینکه از ارض سؤال نمودی و ما نطق به الحکماء فی الحقیقه این امور تا حال بتمامه کشف نشده هذا هو الحق و ما بعده الا الضلال ولكن حکای این اعصار نظر بآنکه از تجلیات انوار ظهور قسمت برده اند اعرف از قبلند تا حال عدد سیارات را بتمامه نیافته اند عنقریب کشف میشود و بر عدد سابق میافزاید این علم بحرست بی پایان از برای هر یک از ثوابت سیاراتیست و هر یک از سیارات عالمی است از عوالم پروردگار من یقدر ان یحصی جنود ربک فیها او صنائع عباده فیها روحانیت روح عالم انجیل



ORIGINAL

را مزین نمود و لکن اهلش غافل و در هیما ضلالت سالکند و بر فراش غفلت نائم از صبحه و صور بشعور نیامده‌اند و از قبور هوی برنخاسته‌اند عنقریب جزای اعمال را مشاهده نمایند آن ربّک هو العادل الحکیم

اینکه از روح و سیر او سؤال نمودی ارواح مستقیمه مجرده که مقدّس از شئون ارضند مربّی عالم بوده و هستند لعمر الله بعد از صعود میمن و محیطند لمیزل و لایزال اینقام مستور بوده و بخاتم حفظ الهی مختوم و در خزانه عصمت محفوظ لسان از ترجمه عاجز و عقول و افتده از ادراک قاصر مترجم اوّل که بر صدر عالم مقرر اخذ نموده لسان بوده و او مکرّر بر عجز خود اعتراف کرده و آنچه در اینقام ذکر شد محض فضل و عنایت بوده اینقدر معلوم و واضح گردد که ارواح مقدّسه مجرده که از این عالم بنور انقطاع صعود نمایند سبب بزرگند از برای تربیت عالم و ظهور صنایع و حکم در رتبه اوّلیّه مقصود از ارسال رسل و انزال کتب این بوده یعنی تزکیه نفوس و تصفیه ارواح و تنزیه و تقدیس آن طوبی از برای نفوسیکه الیوم باصغاء حقیف سدره منتهی فائز شده‌اند و عرف قیص را ادراک نموده‌اند ای دوستان امروز روز عمل خالص است و روز ذکر و ثناست جهد نمائید تا فائز شوید بآنچه که عرف هستی از او بدوام ملک و ملکوت استشمام شود قل خذوا کتاب الله بقوة من عنده ثمّ اعمالوا ما امرتم به فیه انه هو الامر الحکیم

و اینکه در باره کسب و معاملات ذکر نمودی این امور در کتاب الهی بمشورت معلّق شده با نفوس مؤمنه مستقیمه مشورت نمایند یعنی در کسب و اقتراف و امثال آن و آنچه ظاهر شود متوکلاً علی الله عمل کنند هذا حکم الله و هذا امر الله طوبی لمن سمع و عمل و ویل للغافلین

و اینکه در باره حقوق ذکر نمودی این مخصوص است بحقّ جلّ جلاله باید بساحت اقدس ارسال شود الامر بیده یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید چون آنجناب سؤال نمودند اینجواب از سماء عنایت نازل اینفرقه فرض است بر کل و شرف کل در ادای آنست چه که سبب تطهیر اموال و برکت و ازدیاد نعمت بوده و هست و تا حال ناس از اینفرقه غافلند سعی نموده و مینمایند یا از حلال و یا از حرام چیزی ذخیره نمایند و از برای وراثتیکه ثمر آن معلوم نیست بگذارند بگو امروز کلمه الله وارث است چه که مقصود از وارث ابقاء ذکر و اثر بوده و این بسی واضح و معلوم است که قرون و اعصار این اذکار را محو نمایند و لکن هر کلمه‌ئی که از قلم اعلی در باره نفسی جاری شد بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است اینست فضل اعظم و نعمت کبری من شاء فلیعمل و من شاء فلیترک

ذکر توجه بشطر سخن را نمودند بعد از اشتعال نار ظلم در ارض طاء این ارض هم فی الجمله منقلب مشاهده شد گفتگوهای کاذبه بمیان آمد لذا نظر بحکمت امر بتوقّف شد اگر بتدریج توجه نمایند متمسکاً بالحکمة باسی نیست اقرار در هیچ محل جایز نه متوکلاً علی الله واحد و اثنین عازم شوند در جمیع احوال باید حکمت را از دست ندهند تا ضوضا از آن ارض مرتفع نشود اعمالی را که از قبل بآن عامل بوده‌اند باید تغییر ندهند حکمة من الله ربّ العالمین امروز باید نظر کل بافق اعلی وحده باشد آنچه را بآن امر فرماید اوست حکم الله مابین عباد یشهد بذلک من ینطق انه لا اله الا هو الفرد الخبیر

دوستان را تکبیر میرسانیم و به ما یرتفع به الامر امر مینمائیم و آن اعمال و اخلاقیست که سبب علوّ و سموّ کلمه الله است بین عباد البهّاء المشرق من افق سماء فضلی علیک و علی احبائ الذین اقبلوا بالقلوب الی الله المقتدر العزیز المحبوب اماء آن ارض را تکبیر میرسانیم و بنایات حقّ جلّ جلاله بشارت میدهم باید کل بکمال تقدیس و تنزیه در لیالی و ایام بذکر حقّ

مشغول باشند هر یک از اماء الله که اليوم باصغا فائز و بجواب مؤید او از ورقات فردوس اعلی در کتاب اسماء مذکور و مسطور ان افرحن یا اماء الله طوبی لکنّ و نعیماً لکنّ کم من رجل منع عن الحقّ و کم من امة اقبلت و فازت بعرفان الله العلیّ العظیم حمد کنید محبوب عالمین را که شما را از مابین اماء برگزید و بطراز عرفان خود مزین نمود البهاء علیکنّ و علی الالائی فزن بهذا المقام العزیز المنیع